

حقوق مؤلفان در جهان اسلام

آقای محمد سمیعی

مدیر پایگاه اطلاع‌رسانی سراسری اسلامی (پارسا)

هدف ما در این مقاله، معرفی پژوهشی در حوزه اطلاع‌رسانی منابع مربوط به حقوق مؤلفان در جهان اسلام است. این پژوهش با مشارکت پایگاه اطلاع‌رسانی سراسری اسلامی (پارسا) و معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به انجام رسیده است و به زودی، در قالب کتاب، در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

مقصود ما از جهان اسلام تمام کشورهای است که شرع مقدس اسلام در قوانین آن‌ها تأثیر دارد. مطالعه روی این حوزه به جهت مشابهت در راهکارهای قانونی با کشور ماست. مقصود از حقوق مؤلفان، همه قوانینی است که، به صورت داخلی یا به صورت بین‌المللی، از حقوق نویسندگان و پدیدآورندگان آثار فرهنگی و هنری حمایت می‌کند.

هدف از این پژوهش یافتن الگوهای مناسب و استفاده از دستاوردهای دیگران با جست‌وجو در نظام‌های حقوقی جهان اسلام است. البته شایان ذکر است که حقوق داخلی کشورهای اسلامی و همچنین عضویت آنان در کنوانسیون‌های بین‌المللی بسیار ناهمگون است. برخی از کشورها،

مانند ایران، از حقوق حمایتی داخلی ضعیفی برخوردارند و عضو کنوانسیون‌های جهانی نیز نیستند. در همین حال، برخی کشورها، مانند مصر، قوانین داخلی پیشرفته‌ای دارند و برخی دیگر، مانند مراکش و لبنان، سابقهٔ دیرینه‌ای در پیوستن به معاهدات دارند. هدف دیگر این پژوهش مطالعه روی منابع علمی داخلی و بیان کاستی‌های ما در تحلیل فقهی و علمی مسألهٔ کپی‌رایت است.

نوع این پژوهش کتابخانه‌ای است و فقط به کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های نوشته شده در این زمینه می‌پردازد. همچنین مقالات و مصاحبه‌هایی در این زمینه تهیه شده است که، در کنار بخش کتاب‌شناسی، در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. عنوان یکی از مقالات «مآخذشناسی مقالات در بارهٔ حقوق مؤلفان» است که مجموعه را به یک مآخذشناسی کامل در این زمینه تبدیل خواهد کرد.

شرح مسأله

برای نهادینه شدن قوانین حمایتی حق مؤلف و کلاً برای جا افتادن هر نظام قانونی جدید، باید سه مرحله را پشت سر گذاشت. اولین مرحله پرداختن فرهیختگان به ابعاد مختلف مسأله و توجیه و اقتناع افکار عمومی نسبت به ابعاد فلسفی و اجتماعی آن است. در مرحلهٔ بعد نوبت قوهٔ قانون‌گذاری است و بالأخره نوبت به قوای مجریه و قضائیه می‌رسد. یک نمونهٔ تاریخی از این مسأله را می‌توان در نهادینه شدن حق کسب و پیشه یا سرقتی در کشور دانست. مفهوم سرقتی نه در فقه اسلامی و نه در حقوق کشور ما سابقه نداشته است، ولی با رویکرد عمومی و رواج معاملات سرقتی، رفته رفته، این حق به صورت حق شرعی و قانونی به رسمیت شناخته شد. اتفاقاً حق مؤلف هم شباهت زیادی به حق کسب و پیشه دارد.

منابع ایرانی

بنا بر جست و جویی که ما در این زمینه انجام داده‌ایم، تاکنون حدود پنجاه کتاب و پایان‌نامه درباره حقوق مؤلفان نگاشته شده است. پایان‌نامه آقای محمد مشیریان، که تحت عنوان «حق مؤلف و حقوق تطبیقی» در ششم اردیبهشت ۱۳۳۹ دفاع شده است، اولین منبع پژوهشی است که بدان دست یافته‌ایم. این منبع ۹ سال قبل از تاریخ ۱۳۴۸، که قانون «حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» در کشور به تصویب رسید، نوشته شده است. البته مجلات سخن و قانون و کلا از اولین نشریاتی بودند که از سال ۱۳۳۳ به درج مقالاتی در این باره پرداختند. در پایان‌نامه مذکور، با بررسی حقوق کشورهای فرانسه و انگلیس و شوروی در زمینه کپی‌رایت، به مسائل و مشکلات داخلی می‌پردازد و سپس ابعاد حقوقی ملکیت مؤلف را پیگیری می‌شود.

آخرین منبع نوشته شده، پایان‌نامه آقای سید حسن شبیری است که تحت عنوان «مسئولیت حقوقی ناشی از فروش نرم‌افزار معیوب» در مقطع کارشناسی ارشد، در دانشگاه مفید قم، در سال ۱۳۸۰ دفاع شده است. در این پایان‌نامه به تفصیل از مبانی فقهی و حقوقی کپی‌رایت بحث شده است. به صورت کلی می‌توان گفت که منابع فوق دارای سه رویکرد هستند:

۱. رویکرد فقهی به مسأله

این رویکرد از آن‌جا در حقوق ما مورد اهمیت است که در نظام حقوقی ما فقه اسلامی اصلی‌ترین منبع است و تا مبانی اساسی فقهی یک مسأله حلاجی نشود جنبه قانونی آن حل‌شدنی نیست. در این زمینه می‌توان به پایان‌نامه‌های آقایان مرتضی چیت‌سازان تحت عنوان «حقوق مالکیت‌های فکری» و پژمان محمدی ده‌چشمه تحت عنوان «حق مؤلف» اشاره کرد. این منابع هیچ‌کدام به تحلیل جامع و استدلالی مسأله از نظر فقهی

نپرداخته‌اند و تنها به نقل اقوال و برخی استدلالات بسنده کرده‌اند. مناسب است که در این‌جا از فقها و متخصصان فقه شیعه گلایه کنیم که به صورت جدی وارد این بحث نشده‌اند و منابع علمی به شیوه تحلیلی و استدلالی در فقه ما در این زمینه منتشر نکرده‌اند و فقط به استفتاءات مجمل و بدون استناد بسنده شده است، زیرا تنها با موشکافی در ابعاد مختلف مسأله است که می‌توان به وحدت رویه فقهی رسید.

به هر صورت، با امکان بسط وسیع مفاهیم که در فقه وجود دارد، می‌توان امیدوار بود که فتاوی حمایتی در این زمینه گسترش یابد، چنان‌چه هم اکنون نیز فتاوی مثبت در این زمینه کم نیست و همان‌طور که در مسأله سرقتی اشاره شد، رفته رفته این مسأله نیز نهادینه می‌شود.

۲. رویکرد اجتماعی - اقتصادی

منابع با این رویکرد، ابعاد مختلف مسأله را، از نظر اجتماعی و اقتصادی، خصوصاً در ابعاد بین‌المللی الحاق به کنوانسیون تشریح می‌کنند. کامل‌ترین منبعی که در این زمینه می‌توان معرفی کرد کتاب آقای علی‌اعظم محمدیگی تحت عنوان بررسی نظام ملی حق مؤلف در ایران است که در سال ۱۳۷۹ توسط انتشارات روش منتشر شده است. همچنین مقاله جالب ایشان در مجموعه مقالات همایش بررسی جنبه‌های حقوقی سازمان جهانی تجارت، ۱۵ مرداد ۱۳۷۵ درخور ذکر است که به ابعاد مختلف مسأله پرداخته است. البته در این رویکرد هم به اندازه کافی فعالیت نشده است و باید ابهامات سودآور بودن الحاق ایران به کنوانسیون‌های جهانی کپی‌رایت زدوده شود و این ایده که «ما پیش از آن‌که تولیدکننده منبع فکری باشیم مصرف‌کننده‌ایم و لذا الحاق به کنوانسیون‌ها به نفع ما نیست» با تحلیل صحیح از بین برود. نظر مقام رهبری، مبنی بر اعتبار داخلی کپی‌رایت و عدم اعتبار جهانی آن و برخی

اظهار نظرهای نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این زمینه، نشانگر این است که این دغدغه‌ها هنوز به صورت جدی مطرح است.

۳. رویکرد حقوقی

منابع با این رویکرد، به بررسی مسأله در ابعاد متون قانونی کشور پرداخته‌اند. هدف این منابع بررسی وضعیت حقوق مؤلفان در نظام موجود است، بدون آن که وارد مباحث تکامل وضعیت موجود شوند. پایان‌نامه آقای حمید آیتی تحت عنوان «قدرت عمومی و حقوق پدیدآورندگان» که در سال ۱۳۷۵ در دانشکده حقوق دانشگاه تهران دفاع شده است و کتاب ایشان تحت عنوان حقوق آفرینش‌های فکری، منتشر شده توسط نشر حقوقدان در همان سال، نمونه خوبی از این دسته منابع است.

نتیجه

با بررسی منابع داخلی دو نتیجه‌گیری کلی صورت می‌پذیرد: یکی کمبود منابع علمی و نظری کپی‌رایت در کشور؛ دیگری نپرداختن جدی به دو بعد اصلی مسأله یعنی بعد فقهی و بعد تبعات اجتماعی - اقتصادی. یکی از پیامدهای جدی این مسأله، نبود اطلاع در باره میزان خروج سرمایه از کشور و همچنین عدم رونق صنعت نشر بین‌المللی کشور به سبب عدم حمایت از کپی‌رایت در داخل است که به نوبه خود مضرات جدی برای کشور در بر خواهد داشت و تولیدکنندگان آثار فرهنگی و هنری را به فعالیت در کشورهای با حقوق حمایتی بیشتر سوق می‌دهد.

منابع جهان عرب

کتاب‌های زیادی خصوصاً در کشورهای اردن، مصر، لبنان و سوریه در این زمینه منتشر شده است. این منابع بیشتر به ابعاد حقوق داخلی و

بین‌المللی مسأله پرداخته‌اند و کمتر به ابعاد فقهی آن توجه داشته‌اند. شاید این به سبب سازوکارهای فقه اهل سنت باشد که با ابزارهایی، مانند مصالح مرسله، می‌توانند به راحتی این مسائل نو را حل کنند. البته بررسی‌های فقهی در ابعاد مختلف مسأله، مانند نحوه مالکیت و ارث بردن حق مؤلف، در این آثار به چشم می‌خورد.

نکته دیگر در مورد منابع کشورهای عربی آن است که این منابع بیشتر در دو دهه اخیر نوشته شده‌اند و در همین دو دهه، بسیاری از کشورهای عربی به معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری پیوسته‌اند. نکته دیگر در مورد کشورهای عربی آن است که این کشورها، علاوه بر عضویت در کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه حق مؤلف، کنوانسیون‌های منطقه‌ای (بین‌کشورهای عربی) برای حمایت از حق مؤلف دارند.

مطلب را بیش از این ادامه نمی‌دهم و علاقه‌مندان را به کتابی که ان شاء الله به زودی با عنوان حقوق مؤلفان در جهان اسلام با همکاری معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر خواهد شد، ارجاع می‌دهم. در این کتاب حدود ۵۰ کتاب و پایان‌نامه داخلی و ۵۰ کتاب عربی در باره حق مؤلف به صورت کامل نقد و معرفی می‌شود. همچنین مصاحبه‌ها و میزگردهایی با صاحب‌نظران علمی و فقهی جهان اسلام و مقالاتی در این زمینه در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.